

A Jurisprudential and Legal Analysis of the Concept of *Roshd* and Its Extension to Non-Financial Matters in Iranian Law

Seyed Mahdi Dadmarzi¹ 

Mohammad Mahdi Azizollahi² 

Jafar Alizadeh³ 



Received: 2024/11/15 • Revised: 2025/03/18 • Accepted: 2025/10/26 • Published online: 2025/11/09

Abstract

Rational control over property and financial rights has traditionally been recognized in jurisprudence and law as the concept of *roshd* (maturity/competence). This dominant view is also reflected in Article 1208 of the Iranian Civil Code. Contrary to this mainstream view in jurisprudence and the Civil Code, another perspective in jurisprudence and legal doctrine recognizes that *roshd* is not limited to financial matters. This article aims to present and substantiate the view that *roshd* extends to non-financial matters. Using a descriptive-analytical approach and library-based research tools, the article proposes the development of the

1. Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran (Corresponding Author).

M.dadmarzi@qom.ac.ir

2. Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran.

m.azizollahi@qom.ac.ir

3. Faculty of Law, University of Qom, Qom, Iran.

alizadeh.jafar1359@gmail.com

* Dadmarzi, S. M., Azizollahi, M. M., & Alizadeh, J. (2025). A Jurisprudential and legal analysis of the concept of *roshd* and its extension to non-financial matters in Iranian law. *Journal of Fiqh*, 32(3), pp. 85-110. <https://doi.org/10.22081/jf.2025.70299.2857>

Article Type: Research; **Publisher:** Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran

© 2025

authors retain the copyright and full publishing rights



concept of *roshd* to include non-financial matters and provides supporting evidence from the Holy Quran, narrations of the Imams, customary practices, analogical reasoning (qiyas), the formation of will, and legislative necessities. Extending the concept of *roshd* to non-financial matters results in the requirement of *roshd*, alongside maturity and sanity, for lifting legal incapacity (*hajr*) from an adult of sound mind. **Without this requirement, a person's non-financial acts, like their financial acts, would be considered legally ineffective.** The proposed amendments to the Civil Code in this article align with existing regulations in which, in practice, a higher age than the statutory age of maturity has been applied in non-financial matters governing citizens' legal relations.

Keywords

Concept of *roshd*, financial *roshd*, lifting of legal incapacity (*hajr*), ineffective acts, eligibility requirement, extension of the concept of *roshd*.



تحلیل فقهی - حقوقی مفهوم رشد و توسعه آن به امور غیرمالی در حقوق ایران

جعفر علیزاده^۳ 

محمد مهدی عزیزالهی^۲ 

سید مهدی دادمرزی^۱ 

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۲۵ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۱۲/۲۸ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۰۵ • تاریخ آنلاین: ۱۴۰۴/۰۸/۱۸

چکیده

تصرف عقلایی در اموال و حقوق مالی به عنوان مفهوم سنتی رشد در فقه و حقوق شهرت یافته است. این نظر مشهور در ماده ۱۲۰۸ قانون مدنی نیز منعکس شده است. بر خلاف نظر مشهور در فقه و مذکور در قانون مدنی، نظر دیگری در فقه و دکترین حقوقی قابل شناسایی است که رشد را منحصر در امور مالی نمی‌کند. این مقاله درصدد است تا دیدگاه عدم اختصاص رشد به امور مالی را به گونه‌ای مستدل معرفی و اثبات نماید. در این راستا به روش تحلیلی - توصیفی و با استفاده از ابزارهای کتابخانه‌ای، نظریه توسعه مفهوم رشد به امور غیرمالی را مطرح و دلایل آن شامل قرآن کریم، روایات معصومین علیهم‌السلام، عرف، قیاس اولویت، شکل‌گیری اراده و ضرورت‌های تقنینی را ذکر کرده‌ایم.

۱. دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول).
M.dadmarzi@qom.ac.ir
۲. دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران.
m.azizollahi@qom.ac.ir
۳. دانشکده حقوق، دانشگاه قم، قم، ایران.
alizadeh.jafar1359@gmail.com

* دادمرزی، سید مهدی؛ عزیزالهی، محمد مهدی؛ علیزاده، جعفر. (۱۴۰۴). تحلیل فقهی - حقوقی مفهوم رشد و توسعه آن به امور غیرمالی در حقوق ایران. فقه، ۳۲(۳)، صص ۸۵-۱۱۰.
<https://doi.org/10.22081/jf.2025.70299.2857>

ناشر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران.

© ۱۴۰۴ «حق تألیف و حقوق کامل انتشار برای نویسندگان محفوظ است»



توسعه مفهوم رشد به امور غیرمالی، منجر به اشتراط رشد در کنار بلوغ و عقل، جهت رفع حجر از بالغ عاقل می‌شود که بدون آن، تصرفات غیرمالی شخص مانند تصرفات مالی او غیرنافذ تلقی می‌شود. اصلاح قانون مدنی مطابق پیشنهاد عرضه شده در مقاله همسو با مقرراتی است که در امور غیرمالی، سنی بالاتر از سن بلوغ در قانون مدنی را در عمل بر روابط شهروندان حاکم ساخته‌اند.

کلیدواژه‌ها

مفهوم رشد، رشد مالی، رفع حجر، تصرفات غیرنافذ، شرط اهلیت، توسعه مفهوم رشد.



مقدمه

حق غیرمالی، امتیازی است که هدف آن رفع نیازهای عاطفی و اخلاقی انسان است. موضوع آن روابط غیرمالی اشخاص می‌باشد؛ ارزش دادوستد ندارد و قابل ارزیابی به پول نیست؛ مانند حق زوجیت، حق ابوت، بنوّت و حضانت (کاتوزیان، ۱۳۷۸، ص ۲۵۶). افزون بر حقوق مذکور، تکالیفی نیز به عهده اشخاص شناسایی شده است، که این تکالیف نیز به مالی و غیرمالی تقسیم می‌شود و امور شامل تکالیف و حقوقی می‌شود.

تردید نیست اجرای امور غیرمالی نیز به مانند امور مالی از مجرای اهلیت خواهد بود. هر چند ماده ۲۱۱ قانون مدنی عقل، بلوغ و رشد را به عنوان عناصر اهلیت مورد شناسایی قرار داده است؛ لکن تعریفی از رشد در قانون مدنی ارائه نشده است. به موجب تعریف ارائه شده از غیررشد، در ماده ۱۲۰۸ قانون مدنی، همچنین ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی و تبصره دو آن و رأی وحدت رویه به شماره ۳۰ مورخ ۱۳۶۴/۱۰/۰۳ مفهوم رشد، مختص امور مالی است و شامل امور غیرمالی نمی‌شود. در دکتین حقوقی نیز به طور سنتی، رشد به تصرف عقلایی در اموال و حقوق مالی اختصاص یافته، هر چند انتقادهایی نیز در این خصوص ارائه شده است (حیاتی، ۱۳۹۲، ص ۲۳۶؛ ساکت، ۱۳۷۲، ص ۲۳۳؛ شهیدی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۴۴؛ صفایی و قاسم زاده، ۱۳۹۱، ص ۱۸۳؛ کاتوزیان، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۴۴؛ محقق داماد و همکاران، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۱۸۳) احتمال دارد گفته شود به جهت تعریف رشد در کتاب حجر و اختصاص کتاب حجر به امور مالی، بنابراین رشد در امور مالی تعریف شده است؛ این امر دلالتی بر اختصاص رشد به امور مالی ندارد و رشد شامل امور غیرمالی نیز است. این درحالی است که احکام مصادیق مختلف، از امور غیرمالی به صورت پراکنده در قانون بیان شده است؛ با بررسی این احکام، این نتیجه حاصل می‌شود که در اهلیت امور غیرمالی، رشد به عنوان شرطی مستقل مد نظر نبوده است. برای مثال ماده ۱۱۳۶ قانون مدنی رشد را در طلاق دهند شرط ندانسته است.

علی‌رغم مراتب فوق، ضرورت‌های تقنینی و نیازهای عرفی، ما را به سوی بازنگری در مفهوم سنتی رشد از منظر توسعه آن به امور غیرمالی رهنمون می‌نماید. آنچه ضرورت بازنگری مذکور را تأیید و تقویت می‌نماید، این واقعیت اساسی است که

قوانین باید از اصول و قواعد یکسانی تبعیت نمایند؛ این در حالی است که برخلاف ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی و رأی وحدت رویه مذکور که بلوغ و عقل را جهت رفع حجر در امور غیرمالی کافی دانسته، از یک سو در سایر مواد قانون مدنی و از سوی دیگر در سایر قوانین همچون قانون کار و قانون انتخابات ریاست جمهوری مصوب ۱۳۶۴ در برخی از مصادیق امور غیرمالی مانند تغییر نام و نام خانوادگی، تعیین اقامتگاه، تغییر تابعیت، انعقاد عقد نکاح، حق رأی در انتخابات، مقنن سنی بالاتر از سن بلوغ را بر روابط شهروندان حاکم کرده است. این امر دلالت بر این می‌کند که تنها بلوغ و عقل نمی‌تواند ملاک مناسبی برای رفع حجر از شخص در امور غیرمالی تلقی شود.

همچنین از دیدگاه عرفی نیز رشد از جمله شرایط استقلال شخص در اعتبار تصمیم‌ها نسبت به امور غیرمالی است؛ برای مثال هیچ دختر ۹ ساله‌ای که دارای شرایط عقل و بلوغ است؛ بدون احراز رشد، مستقلاً زندگی نمی‌کند و در خصوص تحصیل، رفتارهای اجتماعی به‌طور مستقل تصمیم نمی‌گیرد. با در نظر گرفتن ضرورت‌های تقنینی و عرفی، این مقاله در صدد توسعه مفهوم رشد به امور غیرمالی از طریق نقد دلایل اختصاص مفهوم رشد به امور مالی و ارائه دلایل توسعه مفهوم رشد به امور غیرمالی است.

در نوآوری این نوشته همین بس که پژوهشگران، ناکارآمدی قوانین موجود در اجرای امور غیرمالی را یافته‌اند و در صدد ترمیم آن بوده‌اند؛ در جستجوی سوابق پژوهشی مرتبط، مقاله با عنوان «تأمل فقهی درباره اعتبار رشد از نظر ازدواج در عقد نکاح» (پارساپور، ۱۳۹۰، صص ۱۰۹-۸۹) در فصلنامه علمی - پژوهشی حقوق اسلام با موضوع نکاح سفیه منتشر شده است. همچنین مقاله با عنوان «پایان حضانت با بلوغ است یا بلوغ و رشد؟» (انصاری‌پور، ۱۳۹۹، صص ۶۴۷-۶۶۳) در فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی انتشار یافته است؛ در دو مقاله پیش گفته اعتبار رشد در مصادیقی از مصادیق امور غیرمالی بررسی شده است؛ اما در مقاله حاضر اعتبار رشد در کلیه مصادیق امور غیرمالی مد نظر است.

برخی از محققین ضمن مفروض دانستن اعتبار رشد در امور غیرمالی، ناکارآمدی

قوانین در مواجهه با امور غیر مالی را ناشی از اماره بودن بلوغ در رشد امور غیر مالی اعلام و در صدد تغییر این اماره بوده‌اند؛ مقاله با عنوان «از بلوغ جسمانی تا رشد عقلانی: بازخوانی اماره رشد در حقوق موضوعه ایران و فقه اسلامی با مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه» (کاظمی و برزویی، ۱۳۹۴، صص ۱۱۹-۱۴۵) در فصلنامه پژوهش‌های حقوق خصوصی، چاپ شده است. همچنین مقاله «بررسی سن رشد در امور غیر مالی» (پوراسماعیلی و پورعابدی، ۱۳۹۸، صص ۶۸-۸۹) در فصلنامه پژوهش‌های حقوق اسلامی با موضوع سن رشد در امور غیر مالی منتشر شده است. در صدد اثبات سن رشد متفاوت از سن بلوغ مبتنی بر قانون رشد متعاملین مصوب سال ۱۳۱۳ می‌باشد؛ همان‌طور که در دو مقاله نخستین بررسی شده است ناکارآمدی موجود ناشی از عدم اعتبار رشد در امور غیر مالی می‌باشد؛ راهکار رفع ناکارآمدی با توجه به ضرورت‌های تقنینی و عرفی، توسعه مفهوم رشد به امور غیر مالی است.

تحلیل و ارزیابی این مسئله که ابعاد، دلایل و مستندات توسعه مفهوم رشد به امور غیر مالی چیست و چه آثاری دارد؛ بیش از هر چیز در گرو تحلیل مفهوم سنتی رشد در فقه و حقوق، نقد ادله دیدگاه مشهور و سپس توسعه مفهوم رشد به امور غیر مالی و تحلیل و ارزیابی دلایل آن است. بر این اساس در پژوهش حاضر مفهوم سنتی رشد در فقه و حقوق در بخش نخست، دلایلی اختصاص مفهوم رشد به امور مالی و نقد آن در بخش دوم و شناسایی توسعه مفهوم رشد به امور غیر مالی در فقه و حقوق در بخش سوم و دلایل آن در بخش پایانی مورد بحث واقع می‌شود.

۱. مفهوم سنتی رشد

در این قسمت به ترتیب به تبیین مفهوم سنتی رشد در فقه و همچنین تبیین مفهوم سنتی رشد در حقوق می‌پردازیم.

۱-۱. مفهوم سنتی رشد در فقه

حجر صغیر شامل امور مالی و غیر مالی می‌باشد؛ اختلافی در این نیست که رشد از

جمله شرایط رفع حجر از صغیر در مطلق امور است (کرکی، ۱۴۱۱ق، ج ۵، ص ۱۸۶)؛ لکن در مفهوم آن اختلاف وجود دارد. (جمع من المحققین، ۱۴۲۸ق، ج ۶، ص ۲۲۵). توانایی اصلاح مال، توانایی حفظ مال و جلوگیری از افساد مال، از جمله مفاهیم به کار رفته در فقه برای رشد است.

در نظر برخی از فقها، رشد کیفیت نفسانی است که شخص را از افساد مال و صرف آن در طریق غیرعقلایی منع می‌کند (حلی (علامه)، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۱۳۴؛ کرکی، ۱۴۱۱ق، ج ۵، ص ۱۸۳) برخی از فقها، رشد را به توانایی حفظ مال تعریف نموده‌اند (طریحی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۵۰). با توجه به اینکه هدف از حجر نیز حفظ مال است (السیوری حلی (فاضل مقداد)، ۱۴۰۳ق، ص ۳۷۷)، با دو استدلال نظر فوق تقویت می‌شود. اولاً اصل بر این است که اشخاص مسلط بر اموال می‌باشند و بدون دلیل نمی‌توان تسلط اشخاص بر اموال را محدود کرد. ثانیاً هدف از حجر، حفظ مال می‌باشد. اگر شخص توانایی حفظ مال را داشته باشد مقصود حاصل می‌باشد و نیازی به شرط اضافه‌تر وجود ندارد (اردبیلی (مقدس)، بی تا، ص ۴۸۱).

نظر مشهور بر این است که منظور از رشد توانایی اصلاح مال است (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۲۸۴؛ حلی (محقق)، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۸۵؛ حلی (علامه)، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۵۳۵؛ السیوری حلی (فاضل مقداد)، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۱۸۱؛ جعی عاملی (شهید ثانی)، ۱۴۳۶ق، ج ۴، ص ۱۰۲؛ اردبیلی (مقدس)، بی تا، ج ۹، ص ۱۹۴؛ بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۲۵، ص ۳۵۱؛ طباطبایی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص ۱۳۶). اصلاح مال به خوب خرج نمودن مال ترجمه شده است (مکارم، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۴۴).

علامه حلی، بدون اینکه اشاره به اصلاح مال یا جلوگیری از افساد مال نماید؛ رشد را صرف مال در طریق عقلا تعریف می‌کند (حلی (علامه)، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۱۳۴).

هر چند ملاک‌های متفاوتی در شناسایی رشد در تعاریف فوق به کار رفته است، اما با توجه به اینکه توانایی ذکر شده در تعاریف مذکور با محک عرف سنجیده می‌شود، به نظر می‌رسد بازگشت همه تعاریف به تصرف عقلایی در اموال و حقوق مالی می‌باشد. هر چند این تعاریف رشد در کتاب حجر ذکر شده است؛ لکن در سایر ابواب فقهی از همین تعریف تبعیت و در اهلیت امور غیرمالی مانند طلاق و قصاص رشد شرط نیست.

۲-۱. مفهوم سنتی رشد در حقوق

به موجب ماده ۲۱۱ قانون مدنی، رشد یکی از عناصر سه گانه تشکیل دهنده اهلیت در کنار بلوغ و عقل است. واژه رشد همانند دیگر عناصر اهلیت، در قانون مدنی تعریف نشده است. حقوقدانان به تأسی از ماده ۱۲۰۸ قانون مدنی، رشد را مختص امور مالی تعریف کرده‌اند. از مفاد ماده مذکور که مفهوم «غیررشید» را بیان می‌کند؛ چنین بر می‌آید که رشد چهره‌ای از عقل است که شخص را از تباه کردن اموال خود باز می‌دارد و به اصلاح آن را هدایت می‌کند (کاتوزیان، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۳۴). بدین گونه رشید کسی است که از نظر عقل معاش و اقتصادی، شایستگی اداره اموال و بهره‌وری از حقوق مالی خود را دارد (ساکت، ۱۳۷۲، ص ۲۳۳).

به تعبیر دیگر، رشد درجه‌ای از کمال عقل است که شخص را از تباه ساختن مال خویش و تصرف بیهوده در آن باز می‌دارد (محقق داماد و همکاران، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۱۸۳). اگر شخص عملاً مال خود را از بین نبرد، ولی نسبت به اصلاح و بهره‌برداری عقلایی از آن تمایل نشان ندهد، رشید شناخته نمی‌شود. مقصود از رشد این است که شخص توانایی اداره اموالش را به نحو عقلایی داشته باشد (صفایی و قاسم زاده، ۱۳۹۱، ص ۱۸۳).

به تعبیر دیگر، رشد عبارت است از توان بالایی از اندیشه که شخص به کمک آن می‌تواند به طور متعارف، امور مالی خود را در جهت مصلحت خویش اداره کند و رشید کسی است که از چنین توان اندیشه‌ای برخوردار باشد (شهیدی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۴۴). البته روشن است که مراد از توانایی بالا در عبارت این حقوقدان برجسته، نه اوج عقل مندی، بلکه حدی از توانایی، متناسب با تشخیص مصلحت یاد شده است؛ بنابراین، رشد، حالت شخصی است که از حیث دانایی و توانایی عقلایی به درجه‌ای رسیده است که می‌تواند، تصرفات معقول و متعارفی را در اموال خود به عمل آورد (حیاتی، ۱۳۹۲، ص ۲۳۶).

هر چند در تعریف رشد اختلاف‌هایی وجود دارد؛ لکن واضح است که موضوع رشد به امور مالی اختصاص یافته است. با در نظر گرفتن احکام اجرای مصادیقی از امور غیر مالی در قانون مانند پایان حضانت و طلاق چنین استنباط می‌شود جهت اجرای امور

غیرمالی، شخص نیاز به رشد ندارد و صرف بلوغ و عقل جهت اجرای امور غیرمالی کفایت می‌نماید.

۲. دلایل اثبات اختصاص مفهوم سنتی رشد به امور مالی و نقد آن

مطابق مطالب پیش گفته، تصرف عقلایی در اموال و حقوق مالی به‌عنوان مفهوم سنتی رشد در فقه مشهور شده است. آیه ۶ سوره نساء، احادیث معصومین علیهم‌السلام، اجماع فقها و مفهوم عرفی رشد، به‌عنوان دلایل اختصاص رشد به امور مالی مورد استناد واقع شده است. در ادامه هر یک از این دلایل و نقد آن آورده می‌شود.

۲-۱. آیه ۶ سوره نساء

به آیه ۶ سوره مبارکه نساء «فَإِنْ أَنْتُمْ مِنْهُمْ رُشِدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ» به‌عنوان دلیل اختصاص مفهوم رشد به امور مالی، استناد شده است (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۸۴). این در حالی است که کلمه رشد در صیغه‌های مختلف، ۱۹ بار در قرآن کریم در مفهوم موسع‌تری از امور مالی به کار رفته است. بیان مفهومی موسع‌تر از امور مالی نسبت به رشد در سایر آیات قرآن کریم که در ادامه ذکر خواهد شد (بند ۱-۶)، ادعای اختصاص مفهوم رشد به امور مالی را نقض می‌کند و از طرفی دلالت بر پیوند مفهوم رشد با معنای توسعه یافته از رشد به امور غیرمالی می‌نماید.

۲-۲. روایات معصومین

در ذیل آیه ۶ سوره نساء، به روایاتی که در مقام بیان مفهوم رشد آمده است، جهت اثبات اختصاص مفهوم رشد به امور مالی استناد شده است؛ از جمله این روایات، حدیثی از امام باقر علیه‌السلام می‌باشد: «والاقوی أن یحمل علی أن المراد به العقل و اصلاح المال ... علی ما قاله ابن عباس، والحسن و هو المروی عن الباقر» (طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۲۰). و همچنین حدیثی از امام صادق علیه‌السلام «ایناس الرشد، حفظ المال» و نیز آنچه از تفسیر عیاشی از یونس بن یعقوب نقل شده است: «قلت لأبی عبد الله علیه‌السلام، قول الله: «فَإِنْ أَنْتُمْ مِنْهُمْ

رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ» أَيُّ شَيْءِ الرُّشْدِ الَّذِي يُؤْنَسُ مِنْهُ؟ قَالَ: «حِفْظُ مَالِهِ» (جمع من المحققين، ۱۴۲۸ق، ج ۶، ص ۲۲۵). نظر به اینکه روایت ذیل آیه ابتلاء است و آیه ابتلاء نیز در مقام بیان امور مالی است، بالتبع مفهوم مالی رشد در روایات ذکر شده است. اثبات شیء نفی ماعدا نمی‌کند؛ آیه مذکور مفهوم غیرمالی رشد را نفی نمی‌نماید. از طرفی عقل به عنوان مفهوم دیگر برای رشد کنار حفظ مال ذکر شده است که شامل امور مالی و غیرمالی است.

مضاف بر روایاتی که در مقام تفسیر آیه، مفهوم رشد را بیان کرده‌اند؛ در برخی از روایات دیگر نیز مفهوم رشد مختص امور مالی بیان شده است. از جمله آنچه از عیص بن قاسم از اباعبدالله علیه السلام روایت شده است: «قال: سألت عن اليتيمة، متى يدفع إليها مالها؟ قال: إذا علمت أنها لا تفسد ولا تضيع» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۲۲۱). از این روایت چنین استفاده شده است که مفهوم رشد، عدم افساد و از بین بردن مال می‌باشد (جمع من المحققين، ۱۴۲۸ق، ج ۶، ص ۲۲۵). نظر به اینکه پرسش در خصوص مال بوده است، پاسخ نیز در خصوص مال داده شده است و دلیل اختصاص مفهوم رشد به امور مالی نمی‌باشد.

همچنین در روایتی دیگر از امام صادق علیه السلام به صورت ضمنی با اختصاص حجر به مال، چنین استفاده شده است که مفهوم رشد نیز مختص امور مالی می‌باشد. قال الإمام الصادق علیه السلام: «انقطاع يتم اليتيم بالاحتلام، وهو رشد، وإن احتلم، ولم يؤنس منه رشد، و كان سفیها، أو ضعيفا فليمسك عنه وليه ماله» (مغنیه، ۱۴۲۱ق، ج ۵، ص ۹۰). تردیدی نیست که ولایت ولی شامل امور مالی و غیرمالی می‌باشد؛ به جهت اینکه امساک مال غلبه دارد و همچنین واضح‌ترین موضوع حجر، امور مالی است؛ از جهت سهولت بیان، لفظ مال به کار رفته است. حدیث در مقام بیان اختصاص مفهوم رشد به امور مالی نمی‌باشد. مضاف بر مطالب گفته شده، کلمه رشد در سایر روایات معصومین علیهم السلام در مفهومی موسع‌تر از امور مالی به کار رفته است؛ (بند ۶-۲) که ادعای اختصاص رشد به امور مالی را نقض می‌نماید.

۲-۳. اجماع

دلیل دیگر اختصاص مفهوم رشد به امور مالی اجماع فقها است (جمع من المحققین، ۱۴۲۸ق، ج ۶، ص ۲۲۱). به چند جهت این دلیل متزلزل است؛ نزد امامیه اجماع دلیل مستقل نمی‌باشد. در صورتی که اجماع کاشف از سنت باشد معتبر است. ارزش ذاتی ندارد. با توجه به اینکه در احادیث مفهوم رشد در امور غیرمالی به کار رفته است، (بند ۲-۶) بنابراین اجماع نمی‌تواند دلیل اختصاص مفهوم رشد به امور مالی باشد. همچنین نظر به اینکه اختلاف فقها در تعریف رشد بوده است؛ در اثبات مدلول کلمه به اجماع استناد نمی‌شود (جمع من المحققین، ۱۴۲۸ق، ج ۶، ص ۲۲۱)، بلکه به عرف مراجعه می‌شود. مضاف بر دلایل فوق با مراجعه به متون فقهی مشخص می‌شود، اجماعی که در رشد مورد استناد واقع شده جهت اثبات اختصاص مفهوم رشد به امور مالی نیست؛ بلکه برای اثبات شرط بودن رشد جهت رفع حجر از صغیر می‌باشد (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۶، ص ۴۸؛ حلی (ابن زهره)، ۱۴۱۷ق، ص ۲۵۲). نظر به اینکه حجر صغیر نسبت به امور غیرمالی نیز می‌باشد و رشد شرط رفع حجر از صغیر در مطلق امور است؛ بنابراین توسعه مفهوم رشد به امور غیرمالی به این جهت نیز ثابت می‌باشد.

۲-۴. مفهوم عرفی رشد

فقها قائل به این هستند که رشد حقیقت شرعی ندارد؛ جهت فهم مفهوم آن به عرف مراجعه می‌شود. از جمله دلایل اختصاص رشد به امور مالی، دلالت مفهوم عرفی رشد به توانایی اصلاح مال و فریب نخوردن در معاملات می‌باشد (السیوری حلی (فاضل مقداد)، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۱۸۱؛ جعی عاملی (شهید ثانی)، ۱۴۳۶ق، ج ۴، ص ۱۰۲). دلالت فوق تمام مفهوم عرفی رشد نمی‌باشد. در عرف شخصی که ۹ یا ۱۵ سال دارد؛ در تصمیم‌گیری‌ها با موضوع‌های غیرمالی مانند تحصیل، اشتغال، ازدواج و اقامت وابسته به والدین می‌باشد.

۳. توسعه مفهوم رشد به امور غیرمالی

برخلاف نظر مشهور در فقه و حقوق که اختصاص رشد به امور مالی پذیرفته شده است؛

به کارگیری رشد در مفهومی فراتر از امور مالی، در فتاوی فقها و دکترین حقوقی، دلالت بر توسعه مفهوم رشد به امور غیرمالی می‌کند، هر چند این مفهوم مبنای احکام اهلیت امور غیرمالی نبوده است.

۳-۱. فقه

برخلاف نظر مشهور که رشد مختص امور مالی می‌باشد؛ در برخی از متون فقهی مفهوم رشد، شامل امور غیرمالی نیز است.

سیدمحمد کاظم طباطبایی یزدی در کتاب عروة الوثقی آورده است: «در صورتی که شخصی در امور مالی رشید باشد لکن نسبت به ازدواج و خصوصیات آن مانند تعیین زوج و کیفیت مهر و مانند آن رشید نباشد مانند سفیه در امور مالی می‌باشد و باید با اذن ولی ازدواج نماید» (طباطبایی یزدی، ۱۴۲۰ق، ج ۵، ص ۶۱۹). مفهوم رشد به نفس ازدواج و خصوصیات آن شامل تعیین همسر و کیفیت مهر که از امور غیرمالی قلمداد شده، اطلاق شده است.

محقق اردبیلی از کتاب خلاف نقل می‌کند، مفهوم رشد هدایت است. هدایت به اصلاح مال و اصلاح حال (اردبیلی، بی‌تا، ج ۹، ص ۱۹۴). منظور از اصلاح حال، همان توانایی تصرف عقلایی در نفس است. امور مربوط به نفس همان امور مربوط به شخص و شخصیت است که از امور غیرمالی می‌باشد.

صاحب جواهر، بعد از بیان مفهوم رشد به اصلاح مال، بیان می‌کند: «ذکر مفهوم رشد به اصلاح مال منافاتی با سایر مفاهیم ذکر شده برای رشد در کشف، قاموس، نهاییه و صحاح به مفاهیم هدایت و ضد غی ندارد؛ به جهت اینکه در این مقام مفهوم رشد نسبت به مال بیان شده است و این امر نفی نمی‌کند که رشد در سایر مفاهیم نیز به کار رود» (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۶، ص ۴۸).

بیان مفهوم رشد در ادبیات فقهی شامل مصادیقی از امور غیرمالی مانند ازدواج و انتخاب همسر و توانایی اصلاح حال، دلالت بر توسعه مفهوم رشد به امور غیرمالی می‌نماید.

۲-۳. حقوق

در حقوق، مانند فقه، مفهوم رشد فراتر از امور مالی به کار رفته و به امور غیرمالی نیز توسعه یافته است. اما در احکام ناظر بر اهلیت امور غیرمالی مد نظر واقع نشده است.

در تعریف دیگر از رشد بر خلاف تعریف سنتی آن گفته شده است: «رشد وصفی است که آدمی به آن، نفع و ضرر خود را تشخیص داده و خوب از بد را تمیز دهد» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱، ج ۳، ص ۲۰۵۱). تشخیص مصلحت در امور مالی با معیار نفع و ضرر و در امور غیرمالی با معیار خوب و بد سنجیده می‌شود.

در بازخوانی دیگر از رشد گفته شده است که توان تشخیص و رعایت مصالح مالی و عدم آن ضابطه اصلی رشد و عدم رشد نسبت به همه امور فردی و اجتماعی معرفی شده است و امکان تصمیم‌گیری و اقدام در امور غیرمالی، مانند ازدواج، طلاق و کسب تابعیت و سلب آن و عدم امکان آن را به ترتیب، تابع امکان و عدم امکان دخالت شخص در امور مالی می‌باشد (شهیدی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۲۷۱). در این بازخوانی ضمن توسعه مفهوم رشد به امور غیرمالی، ملاک تشخیص مصلحت در امور مالی به‌عنوان یک معیار شناسایی رشد است نه تخصیص آن به امور مالی.

بنابر مطالب گفته شده، رشد در مفهومی فراتر از امور مالی نیز به کار رفته است؛ می‌توان از این ظرفیت شناسایی شده برای رشد در فقه و حقوق، به ضرورت‌های تقنینی و عرفی پاسخ داد و رشد را در اهلیت امور غیرمالی شرط دانست.

۴. دلایل توسعه مفهوم رشد به امور غیرمالی

منابع حقوق اسلامی از جمله قرآن کریم، سنت، مفهوم عرفی رشد، شکل‌گیری اراده، قیاس اولویت امور غیرمالی نسبت به امور مالی از منظر ضرورت حمایت و ضرورت یکنواخت سازی قوانین در حوزه امور غیرمالی دلالت بر توسعه مفهوم رشد به امور غیرمالی می‌نماید. به تفکیک هر یک از دلایل بیان می‌شود.

۴-۱. قرآن کریم

واژه رشد در قرآن کریم، ۱۹ بار با صیغه‌های مختلفی مانند: رشد، رشاد، مرشد، راشدون و رشید به کار رفته که در مقابل واژه‌های غی، ضر و شر قرار گرفته است. در آیات ۱۸۶ و ۲۵۶ سوره بقره، ۱۶۸ سوره اعراف، ۷۸، ۸۷ و ۹۷ سوره هود، ۱۰، ۱۷، ۲۴ و ۶۶ سوره کهف، ۵۱ سوره انبیاء، ۲۹ و ۳۸ سوره غافر، ۷ سوره حجرات، ۲، ۱۰، ۱۴ و ۲۱ سوره جن، رشد در معانی هدایت، صلاح و کمال به کار رفته است. هر چند صرف کاربرد لغت رشد در امور غیرمالی دلیل شرطیت رشد در اعمال حقوقی نمی‌شود؛ لکن هدف از ذکر معانی لغوی به کار رفته از رشد در امور غیرمالی در آیات قرآن کریم ذکر این نکته بود که معنای اصطلاحی رشد و توسعه یافته آن با معنای لغوی پیوند دارد.

۴-۲. سنت

در احادیث، مفهوم رشد در مقابل غی و فساد و برای مطلق امور به کار رفته است که دلالت بر پیوند معنای لغوی با معنای اصطلاحی توسعه یافته از رشد به امور غیرمالی می‌نماید؛ در حدیثی از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رشد به مفهوم هدایت در مقابل غی به کار رفته است: «وَأِنَّمَا الْأُمُورُ ثَلَاثَةٌ، أَمْرٌ بَيْنَ رُشْدِهِ فَمَتَّبِعْ وَأَمْرٌ بَيْنَ غِيِّهِ فَمُجْتَنَّبٌ وَأَمْرٌ مُشْكِلٌ يُرَدُّ حُكْمُهُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۱۰) همچنین در حدیثی دیگر از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، خیر و شر، رشد و غی کنار هم برای مطلق امور به کار رفته است: «إِذَا هَمَمْتَ بِأَمْرٍ فَتَدَبَّرْ عَاقِبَتَهُ فَإِنَّ يَكُ خَيْرًا أَوْ رُشْدًا اتَّبِعْتَهُ وَإِنْ يَكُ شَرًّا أَوْ غِيًّا تَرَكْتَهُ» (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۱۳، ص ۲۰۶).

کنار احادیثی که ذیل آیه ابتلاء مفهوم رشد در امور مالی بیان شده است؛ در حدیثی که از ابن عباس، رشد در آیه مذکور به معنی وقار، حلم و عقل است؛ «روي عن ابن عباس أنه قال في قوله تعالى: «فَإِنْ أَنْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا»، هو أن يبلغ ذا وقار و حلم و عقل» (حلی علامه، ۱۴۱۴ق، ج ۱۴، ص ۲۰۳). مفاهیمی مانند وقار، حلم و عقل به امور مالی اختصاص ندارد و شامل امور غیرمالی نیز می‌شود.

در احادیث رشد به معنای عقل، وقار و هدایت در مقابل غی برای مطلق امور و مالکیت بر نفس به کار رفته است؛ این مفاهیم برای رشد شامل امور مالی و غیرمالی می شود که دلالت بر توسعه مفهوم رشد به امور غیرمالی می کند.

۴-۳. عرف

عرفی بودن مفهوم رشد از نظر حقوقدانان و فقها پذیرفته شده است. هر چند جهات پذیرش در هر یک متفاوت است؛ از نظر فقهی به جهت اینکه رشد، حقیقت شرعیه ندارد و وظیفه فقیه اظهار نظر در الفاظی که حقیقت شرعی ندارد نمی باشد؛ در مفهوم شناسی رشد، باید به عرف مراجعه نمود (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۹، ص ۴۰۰). از نظر حقوقی به جهت اینکه، تمیز و رشد، معیار علمی و ثابت ندارد؛ در این راه ناچار بایستی داوری عرف را پذیرفت (کاتوزیان، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۳۴).

با مراجعه به عرف مشخص می شود، رشد شامل امور مالی و غیرمالی می شود. مصادیق زیادی از امور غیرمالی در عرف را می توان مثال زد که رشد ملاک اعتبار اقوال و اعمال شخص در آن امور است. از جمله این مصادیق حق آزادی شخص، ازدواج، ادامه تحصیل و حتی نوع پوشش و محل اقامت است. برای مثال از نظر عرفی شخص بالغ غیررشد به تنهایی نمی تواند تصمیم بگیرد ادامه تحصیل دهد یا خیر؟ والدین براساس استعداد شخص تصمیم می گیرند شخص بالغ در چه رشته ای ادامه تحصیل دهد و اوقات فراغت را چگونه سپری نماید. در خصوص ازدواج و روابط اجتماعی والدین تصمیم می گیرند که این شخص با چه کسی رابطه داشته باشد و با چه کسی رابطه نداشته باشد؛ بنابراین عرف دلالت بر توسعه مفهوم رشد به امور غیرمالی می نماید.

۴-۴. دلالت شکل گیری اراده

از جمله ارکان شکل گیری عمل حقوقی در مطلق امور اراده است؛ اراده از رضا و قصد تشکیل شده است. زمانی قصد و رضا محقق می شود که شخص توانایی تصور و

تصدیق داشته باشد. تصور و تصدیق ناشی از توانایی درک موضوع و مصلحت عمل حقوقی می‌باشد. از طرفی مبنای اهلیت استیفاء، داشتن تمیز و درک است، زیرا اراده انشایی که برای انجام دادن اعمال حقوقی لازم و ضروری است فقط در اشخاص دارای تمیز موجود است (السنهوری، ۱۹۵۴م، ج ۱، ص ۲۶۸).

گفته شده بلوغ و عقل جهت اعتبار تصرف غیرمالی کفایت می‌کند؛ بلوغ امری طبیعی است و دلالتی بر توانایی شخص نسبت به درک موضوع و مصلحت عمل حقوقی ندارد. عقل به تنهایی دلالت بر توانایی تشخیص مصلحت در امور غیرمالی نمی‌باشد؛ بلکه عقل باید در هر موضوعی با ممارست به ملکه‌ای برسد که از طریق آن ملکه بتواند مصلحت امور را تشخیص و فساد را از آن دفع نماید؛ این ملکه همان رشد است. تحصیل این ملکه توسط عقل اختصاص به امور مالی ندارد و شامل امور غیرمالی نیز می‌شود.

بنابر مطالب فوق، رشد در حقیقت همان قوه درک و تمیز است که موجب تصور موضوع و تصدیق آن خواهد شد. اگر شخصی قدرت تشخیص و تمیز نداشته باشد تصور و تصدیق ایشان نسبت به آن موضوع بی اعتبار خواهد بود. اینکه موضوع آن امر مالی است یا غیرمالی تفاوتی نمی‌کند.

۴-۵. قیاس اولویت

حجر در فقه و قانون، برای حفظ حقوق و منافع صغیر، مجنون و سفیه به جهت فقدان یا عدم کفایت اراده مقرر شده است. (صفایی و قاسم زاده، ۱۳۹۱، ص ۱۶۴؛ سبزواری، ۱۴۱۴ق، ج ۲۱، ص ۱۱۸) با در نظر گرفتن آثار امور مالی و غیرمالی در زندگی شخص، اولویت امور غیرمالی بر امور مالی مشخص می‌شود. آثار ناشی از آموزش، تابعیت، اقامتگاه، نکاح، طلاق در زندگی شخص کمتر از امور مالی نمی‌باشد؛ بنابراین لازم است حمایت بیشتری از شخص در قبال تصمیمهای وی در امور غیرمالی اتخاذ شود.

براساس قیاس اولویت، در تفسیر ارائه شده از ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی و اختصاص مفهوم رشد به امور مالی در رأی وحدت رویه به شماره ۳۰ مورخ ۱۳۶۴/۱۰/۰۳ بدون

توجه به اولویت امور غیرمالی بر امور مالی انتقاد وارد است. عبارت رأی دیوان عالی کشور در اینکه ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی «ناظر به دخالت آنان در هر نوع امور مربوط به خود است مگر در امور مالی» این نتیجه را دارد که دختر ۹ ساله بتواند درباره انتخاب همسر، جدایی از او، رفتن به مدرسه و انصراف از آن، محل اقامت، تابعیت و مذهب خود به طور مستقل تصمیم بگیرد. اهمیت این امور کمتر از اداره دارایی نیست و در رشد استعدادها و سرنوشت او و خانواده‌اش اثر فراوان دارد. چنین اختیاری برای پسر ۱۵ ساله نیز گزاف است و آن را در معرض خطرهای گوناگون جسمی و معنوی قرار می‌دهد» (کاتوزیان، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۵۲).

به بیان دیگری، قالب مقررات مربوط به حجر حمایتی درباره اموال و تعهدات مالی است و قانون‌گذار به منظور حمایت از منافع مالی محجور او را از مباشرت در حقوق مالی خود ممنوع کرده است و از این طریق مورد حمایت قرار داده است. قانون‌گذار ایران و فرانسه و پاره‌ای از کشورهای دیگر این شیوه را اتخاذ کرده‌اند. هرچند که این شیوه قابل انتقاد است؛ زیرا مواظبت از شخص در تعلیم و تربیت و امور غیرمالی محجور که نیکبختی او را تأمین می‌کند، باید اهمیتی بیش از امور مالی داشته باشد (صفایی و قاسم‌زاده، ۱۳۹۱، ص ۱۶۳).

البته قانون‌گذار در بیان احکام غایب مفقودالاثر به اهمیت امور غیرمالی نسبت به امور مالی توجه کرده است و در خصوص امور مالی و غیرمالی احکام متفاوتی را مقرر کرده است. به موجب ماده ۱۰۵۲ قانون مدنی وراثت غایب مفقودالاثر با گذشت دو سال از آخرین خبر و قبل از صدور حکم فرضی می‌توانند از محکمه درخواست تصرف دارایی غایب را بدهند. این در حالی است که در ماده ۱۰۲۹ قانون مدنی، ضمن جواز درخواست طلاق از جانب زوجه غایب مفقودالاثر به جهت اهمیت امر غیرمالی نسبت به امر مالی، شرط شده است که باید چهار سال تمام از زمان غیبت او گذشته باشد.

با توجه به اولویت امور غیرمالی بر امور مالی، آثار آن در زندگی شخص، مبنای

حمایتی حجر و با توجه به اینکه رشد اهلیت کامل جهت اجرای امور می‌باشد، لازم است رشد در امور غیرمالی نیز لحاظ شود.

۴-۶. ضرورت یکنواخت سازی قوانین در حوزه امور غیرمالی

به موجب رأی وحدت رویه به شماره ۳۰ مورخ ۱۳۶۴/۱۰/۰۳ که در مقام تفسیر ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی است؛ ملاک رفع حجر از صغیر در امور غیرمالی رسیدن به سن بلوغ است. به موجب تبصره یک ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی سن بلوغ در دختر ۹ سال قمری و در پسر ۱۵ سال قمری است. نظر به مرجع بودن قانون مدنی لازم است بقیه مواد قانونی مدنی در امور غیرمالی و سایر قوانین با موضوع امور غیرمالی در ملاک پایان کودکی از ملاک قانون مدنی تبعیت نمایند؛ در حالیکه در سایر مواد قانون مدنی و سایر قوانین ملاک‌های متفاوتی برای اتمام دوران کودکی بیان شده است.

در ماده ۹۷۷ قانون مدنی داشتن ۱۸ سال سن شرط پذیرش تابعیت پدر و در ماده ۹۸۸ قانون مدنی داشتن ۲۵ سال سن شرط ترک تابعیت است و در سایر قوانین از جمله در ماده ۸۰ و بند ب ماده ۱۱۲ قانون کار مصوب ۱۳۶۹، به شخص کمتر از ۱۵ سال بدون لحاظ جنسیت طفل اطلاق می‌شود. به موجب ماده ۷ قانون ثبت احوال ۱۸ سال شرط پذیرش گواهی است. مطابق ماده ۱۴ قانون استخدام کشوری، حداقل سن برای استخدام اناث و ذکور ۱۸ سال است. همچنین ماده ۵ آیین نامه استخدامی کارکنان مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۶۲، برای ورود به خدمت مجلس شورای اسلامی، داشتن حداقل ۱۸ سال ضروری است. مطابق ماده ۱۸ قانون صدور گذرنامه، پایان کودکی ۱۸ سال تمام است و قبل از رسیدن به این سن صدور گذرنامه موقوف به موافقت کتبی ولی یا قیم است. به موجب ماده واحده، بند (۲) ماده (۲۷) قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی و بند (۲) ماده ۳۶ قانون انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران اصلاح و حداقل سن جهت رأی ۱۸ سال تمام می‌باشد.

قبول تابعیت و ترک تابعیت، ادای گواهی، حق کار، اخذ گذرنامه و رأی دادن از

جمله امور غیرمالی است؛ بر خلاف رأی وحدت رویه فوق، ملاک‌های متفاوتی جهت رفع حجر از صغیر در نظر گرفته شده است. تعارض قوانین در حوزه امور غیرمالی و لزوم یکنواخت سازی قوانین از نظر تقنینی با مجوز شرع، توسعه مفهوم رشد به امور غیرمالی را اثبات می‌نماید. قانون‌گذار در حقوق کیفری این ضرورت را زودتر احساس و در ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی ۱۸ سالگی را اماره پایان کودکی و مسئولیت اعمال تعیین کرد. مجازات اشخاص کمتر از ۱۸ سال منوط به اثبات درک ماهیت جرم انجام شده یا حرمت آن بدون وجود شبهه در رشد و کمال عقلی شخص است.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

توانایی اصلاح مال، حفظ مال و جلوگیری از افساد مال مهمترین مفاهیم به کار رفته برای رشد در فقه است. تمامی تعابیر فوق، ریشه در توانایی تصرف عقلایی در اموال و حقوق مالی دارد. مطابق این دیدگاه، مفهوم رشد در فقه، ناظر بر امور مالی می‌باشد. مفهوم سنتی رشد در حقوق نیز مشابه مفهوم فقهی آن است. در دیدگاه سنتی، رشد به امور مالی اختصاص یافته و به تبع اشخاص برای اجرای امور غیرمالی نیازمند رشد نبوده و صرف بلوغ و عقل کفایت می‌کند.

برخلاف دیدگاه مشهور، برخی از فقیهان و حقوقدانان رشد را در مفهومی موسع اعم از امور مالی و امور غیرمالی مورد شناسایی و پذیرش قرار داده‌اند. دلایل بسیاری جهت اثبات توسعه مفهوم رشد به امور غیرمالی به دست آمده است. در قرآن کریم لفظ رشد و مشتقات آن ۱۹ بار به معنای هدایت و در مقابل غی به کار رفته، که مفهومی اعم از امور مالی و غیرمالی است. در احادیث رشد به معنای عقل، وقار و همچنین اداره امور در مفهوم مطلق شامل امور مالی و غیرمالی، هر دو به کار رفته است. از نظر فقه، رشد حقیقت شرعی ندارد و در مدلول تابع عرف است و از نظر حقوقی به جهت فقدان معیار ثابت علمی در زمینه تعریف رشد در حقوق، این امر تابع ضوابط عرفی می‌باشد. عرف نیز مفهوم رشد را در امور مالی و غیرمالی به کار می‌برد. بر مبنای اولویت و تفوق امور

غیرمالی بر امور مالی، ضرورت حمایت بیشتر از شخص نسبت به امور غیرمالی شرط رشد فراتر از بلوغ و عقل، جهت اعتبار اعمال حقوقی امور مذکور ضروری است. شکل‌گیری اراده و ضرورت یکنواخت سازی قوانین در حوزه امور غیرمالی دلالت بر توسعه مفهوم رشد به امور غیرمالی می‌کند.

در ارتباط با موضوع تحقیق و در راستای اصلاح و ارتقای نظام حقوقی کشورمان پیشنهادهای ذیل توصیه می‌شود:

۱- چه از منظر مصالح اشخاص بالغ غیررشد و چه از منظر مصالح اشخاص طرف روابط و اعمال حقوقی، شرطیت رشد برای اهلیت استیفاء در امور غیرمالی ضروری است. نظم عمومی اجتماعی حاکم بر روابط و اعمال حقوقی، مبنا و توجیهی بنیادین و غیرقابل انکار است. گو اینکه عرف فراتر از قانون، نظم عمومی اجتماعی را در این زمینه تثبیت و نهادینه کرده و راهی جز پذیرش این امر باقی نگذاشته است. بدیهی است عدم پذیرش شرطیت رشد در موارد مذکور به منزله تعارض اساسی عرف و نظم عمومی اجتماعی از یک سو و قوانین و آراء مبتنی بر آنها از سوی دیگر است و این امر قوانین را به حاشیه رانده و گاه به قانون متروک مبدل کرده است. بهتر آنکه با اصلاح قانون این تعارض رفع و بیش از پیش بر آن دامن زده نشود.

۲- قانون‌گذار به‌طور ضمنی با شرط نمودن سنی بیش از سن بلوغ جهت اجرای مصادیقی از امور غیرمالی مانند تغییر نام و نام خانوادگی، درخواست تابعیت و ترک آن و نکاح، شرطیت رشد در برخی از مصادیق امور غیرمالی را پذیرفته است؛ تصویب شرطیت رشد در اجرای مطلق امور غیرمالی موجب یکنواخت سازی قوانین نیز خواهد شد.

۳- جهت توسعه مفهوم رشد به امور غیرمالی لازم است، مفاهیم بنیادین در ارتباط با رشد از جمله حجر و ادبیات تقنینی حاکم بر موضوع، مورد بازنگری واقع شود؛ بدین نحو که ضمن شناسایی حقوق مربوط به امور غیرمالی در قانون، مفهوم حجر موضوع ماده ۱۲۰۷ قانون مدنی اصلاح و صراحتاً افزون بر امور مالی شامل امور غیرمالی نیز دانسته شود.

۳- رشد، شرط ضروری رفع حجر از صغار در مطلق امور شامل مالی و غیرمالی دانسته شود؛ زیرا مصالح عالیه شخصی، عرفی، اجتماعی و همچنین رویه مطلوب در عمل، ما را به آثار مخرب و جبران ناپذیر عدم شرطیت رشد در رفع حجر رهنمون می‌سازد. پیشنهاد می‌شود ماده ۱۲۰۸ قانون مدنی چنین اصلاح شود: «غیررشد کسی است که تصرفات او در اموال و حقوق مالی و نیز امور غیرمالی خود، عقلایی نباشد».



فهرست منابع

* قرآن کریم

ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۱۳ق). من لایحضره الفقیه (ج ۳، ۴، چاپ دوم). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

اردبیلی (مقدّس اردبیلی)، الشیخ أحمد بن محمد. (بی تا). زبدة البیان فی براهین أحكام القرآن. تهران: المكتبة الجعفریة لإحياء الآثار الجعفریة.

اردبیلی (مقدّس اردبیلی)، الشیخ أحمد بن محمد. (بی تا). مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان. قم: مؤسسة النشر الإسلامی.

انصاری پور، محمدعلی. (۱۳۹۹). پایان حضانت بلوغ یا بلوغ و رشد؟، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، ۵۰(۴)، صص ۶۴۷-۶۶۳.

بحرانی، آل عصفور یوسف بن احمد بن ابراهیم. (۱۴۰۵ق). الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة (ج ۲۵). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

پارساپور، محمدباقر. (۱۳۹۰). تأمل فقهی درباره اعتبار رشد از نظر ازدواج در عقد نکاح. حقوق اسلامی، ۸(۲۹)، صص ۸۹-۱۰۹.

پور اسماعیلی، علیرضا؛ عابدی، محمد. (۱۳۹۸). بررسی سن رشد در امور غیرمالی. فصلنامه پژوهش های فقه و حقوق اسلامی، ۱۶(۵۸)، ۶۸-۸۹.

جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی. (۱۴۳۶ق). الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (ج ۴، چاپ سیزدهم). قم: انتشارات دارالتفسیر.

جعفری لنگرودی، محمدجعفر. (۱۳۸۱). مبسوط در ترمینولوژی حقوق (ج ۳). تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش.

جمع من المحققین. (۱۴۲۸). فقه الأطفال (ج ۶، چاپ دوم). قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (ع).
www.jf.isca.ac.ir

- حلبی (ابن زهرة)، حمزة بن علی حسینی. (۱۴۱۷ق). غنية النزوع إلى علمي الأصول و الفروع. قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- حلی (علامه)، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی. (۱۴۱۳ق). قواعد الأحكام في معرفة الحلال و الحرام (ج ۲). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- حلی (علامه)، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی. (۱۴۱۴ق). تذكرة الفقهاء (ج ۱۴). قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- حلی (علامه)، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی. (۱۴۲۱ق). تحرير الاحكام الشرعيه على مذهب الاماميه (ج ۲). قم: مؤسسه امام الصادق علیه السلام.
- حلی (محقق)، ابوالقاسم نجم‌الدین جعفر بن حسن. (۱۴۰۸ق). شرايع الاسلام في مسائل الحلال و الحرام (ج ۲). قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- حیاتی، علی عباس. (۱۳۹۲). قواعد عمومی قراردادها. تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- ساکت، محمدحسین. (۱۳۷۲). شخصیت و اهلیت در حقوق مدنی. مشهد: مؤلف.
- سبزواری، سید عبدالاعلی. (۱۴۱۴ق). مهذب الاحكام. چاپ چهارم (ج ۲). بیروت: مؤسسه المنار، دفتر آیت الله سبزواری.
- سنهوری، عبدالرزاق احمد. (۱۹۵۳-۱۹۵۴م). مصادر الحق في الفقه الاسلامي (ج ۱). بیروت: دار التراث العربی.
- السیوری حلی (فاضل مقداد)، مقداد بن عبدالله. (۱۳۴۳). كنز العرفان في فقه القرآن (ج ۲). تهران: منشورات المكتبة المرتضوية لاحیاء الآثار الجعفرية.
- السیوری حلی (فاضل مقداد)، مقداد بن عبدالله. (۱۴۰۴ق). التنقيح الرائع لمختصر الشرائع. قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- شهیدی، مهدی. (۱۳۸۵). تشکیل قراردادها و تعهدات (ج ۱، چاپ پنجم). تهران: انتشارات مجلد.
- صفایی، سیدحسین؛ قاسم زاده، مرتضی. (۱۳۹۱). حقوق مدنی اشخاص و محجورین. تهران: انتشارات سمت.

- طباطبایی یزدی، سیدمحمد کاظم. (۱۴۲۰ ق). العروة الوثقی. قم: موسسه نشر اسلامی.
- طباطبایی، سیدعلی. (۱۳۶۸). الشرح الصغیر فی شرح مختصر النافع (ج ۲). قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- طبرسی، ابی علی الفضل بن الحسن. (۱۴۱۵ ق). مجمع البیان فی تفسیر القرآن (ج ۳). بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
- طریحی، فخرالدین. (۱۴۱۶ ق). مجمع البحرین (ج ۳، چاپ سوم). تهران: کتابفروشی مرتضوی.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن. (۱۳۸۷). المبسوط فی فقه الإمامیة (ج ۲، چاپ سوم). تهران: المكتبة المرتضویة لآیاء الآثار الجعفریة.
- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن. (۱۴۰۷ ق). الخلاف (ج ۲). قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۷۸). حقوق خانواده (چاپ پنجم). تهران: انتشارات بهمن.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۹۱). قواعد عمومی قراردادها (ج ۲). تهران: شرکت سهامی انتشار.
- کاظمی، محمود؛ برزویی، عباس. (۱۳۹۴). از بلوغ جسمانی تا رشد عقلانی: بازخوانی اماره رشد در حقوق موضوعه ایران و فقه اسلامی با مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه. فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، ۴(۱۳)، صص ۱۱۹-۱۴۵.
- کرکی (محقق ثانی)، علی بن حسین. (۱۴۱۱ ق). جامع المقاصد فی شرح القواعد (ج ۵). قم: انتشارات اهل البیت.
- مجلسی، محمدتقی بن مقصودعلی. (۱۴۰۶ ق). روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه (ج ۱۳، چاپ دوم). قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور.
- محقق داماد، سیدمصطفی؛ وحدتی، سیدحسن؛ قناتی، جلیل؛ عبدی پورفرد، ابراهیم. (۱۳۹۳). حقوق قراردادها در فقه امامیه (ج ۲). قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و ناشر همکار: سازمان مطالعات و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).

مغنیه، محمدجواد. (۱۴۲۱ق). فقه الإمام الصادق علیه السلام (ج ۵، چاپ دوم). قم: مؤسسه انصاریان.
مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۲۴ق). کتاب النکاح (ج ۲). قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
نجفی، محمدحسن. (۱۴۰۴ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام (ج ۲۶، ۲۹، چاپ هفتم).
بیروت: دار احیاء تراث العربی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی